

میزان انطباق رئوس مطالب تدریس شده با سرفصلهای مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دانشکده پزشکی، پیرا پزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل ۱۳۸۳

نویسندگان:

یوسف حمیدزاده اربابی^۱، علی نعمتی^۲، محمد حسین دهقان^۳، فیروز امانی^۴، کاظم آخرین^۵، انوشیروان صدیق^۶

۱. مربی آموزشکده بهداشت علوم پزشکی اردبیل

۲ و ۴. مربی دانشکده پزشکی و پیراپزشکی علوم پزشکی اردبیل

۳. دانشیار دانشکده پزشکی و پیراپزشکی علوم پزشکی اردبیل

۵. مدیر آموزش دانشکده پزشکی و پیراپزشکی علوم پزشکی اردبیل

۶. کارشناس گروه بهداشت محیط علوم پزشکی اردبیل

چکیده

زمینه و هدف: فرآیند آموزش علوم پزشکی بخش مهمی از آموزش عالی است که با حیات انسانها سر و کار دارد. ارزشیابی یک راهبرد اساسی این فرآیند است و بخشی از این ارزشیابی به ارزشیابی رئوس مطالب و سرفصلهای ارائه شده توسط مدرسان مربوط می شود. این مطالعه با هدف تعیین تعداد جلسات برگزار شده و میزان انطباق رئوس مطالب تدریس شده مدرسان دروس نظری با سرفصلهای وزارتی انجام گردید.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی بود. جامعه مورد پژوهش، ۸۱ نفر مدرس دروس تئوری دانشکده پزشکی، پیراپزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل بود و نمونه گیری به روش سرشماری انجام شد. رئوس مطالب سرفصلهای کلیه دروس نظری ارائه شده در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۳ دانشکده های مذکور مورد بررسی قرار گرفت. داده ها وارد نرم افزار SPSS گردیده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد که برگزاری جلسات آموزشی کمتر از موارد مصوب بود. طوری که میانگین جلسات دروس یک واحدی، ۷/۲ جلسه و دروس دو واحدی، ۱۳/۹ جلسه بود. میانگین مطابقت سرفصلهای ارائه شده توسط مدرسان با سرفصلهای مصوب ۶۲/۸ درصد بود. آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون کای دو نشان داد که بین متغیرهایی مانند وضعیت استخدامی، داشتن طرح درس و مسئولیت اجرایی و مدیریتی با میزان انطباق رئوس مطالب ارائه شده مدرسان با سرفصلهای مصوب، همبستگی آماری منفی وجود دارد (۰/۰۰۱).

نتیجه گیری: طبق نتایج این مطالعه وضعیت فعلی جلسات تشکیل کلاسها و میزان رعایت سرفصلهای مصوب رضایت بخش نیست و این روند ممکن است بر تحقق اهداف دانشگاه در آموزش تاثیر منفی بگذارد. برای افزایش عملکرد مدرسان در زمینه برگزاری جلسات دروس و رعایت رئوس مطالب سرفصلهای مصوب، نظارت دقیق، به روز کردن سرفصلها، برانگیختن دانشجویان و مدرسان برای حضور فعال در کلاسها و رعایت آئین نامه آموزشی و برگزاری کارگاهها برای ارتقاء علمی مدرسان پیشنهاد میشود.

واژه های کلیدی: آموزش پزشکی و پیراپزشکی، رئوس مطالب، سرفصل، تطابق

مقدمه

در حال حاضر بنابه دلایل عدیده، حضور استادان در بخشهای آموزشی کاهش چشمگیری داشته است. عدم قدردانی مناسب از اعضا هیئت علمی، نحوه اداره دانشکده ها توسط مسئولین، نداشتن امنیت شغلی، خط مشی حاکم بر محیط کار، فراهم نبودن فرصت مناسب برای تحقیق و شرکت در کنفرانسها، کمی حقوق و دستمزد اساتید و... باعث گردیده انگیزه اساتید برای آموزش و پژوهش در حداقل میزان خود باشد (۱). این در حالی است که عملکرد دانش آموختگان تا حد زیادی به کمیت و کیفیت عملکرد اساتید وابسته است و برنامه ریزی آموزشی و استفاده از وسائل کمک آموزشی تنها در صورتی می تواند به بهبود کیفیت آموزش منجر شود که حضور موثر آموزشی اساتید در دانشگاهها در حد قابل قبولی باشد. به عبارت بهتر، فرآیند آموزش دانشجویان علوم پزشکی بدون تاثیر و یا حداقل دخالت اعضای هیئت علمی به بیراهه خواهد رفت. این امر به خصوص در نظامهای آموزشی سنتی که عمدتاً معلم محور هستند، بیشتر اهمیت پیدا میکند (۲)، زیرا مدرس از طریق ترتیب مناسب و بدیع عناصر موجود در نظام آموزشی می تواند دانشجویان را برای اهداف متعالی سوق دهد و یا از دستیابی به آنها محروم نماید (۳).

مهمترین وظایف اساتید به عنوان برنامه ریزی درسی عبارت است از: مشخص کردن اهداف، تحلیل آموزشی، انتخاب محتوا، انتخاب استراتژی مناسب برای یاددهی- یادگیری و

ارزشیابی (۴). از طرفی ارزشیابی بخش ضروری فرآیند آموزش بوده و دانشکده های پزشکی به عنوان بخشی از تدابیر تضمین کیفیت به آن نیاز دارند. زیرا شواهدی درباره میزان دستیابی دانشجویان به اهداف یادگیری و اینکه استانداردهای آموزشی رعایت شده است به دست میدهد. همچنین، ارزشیابی می تواند برنامه آموزشی را از این نظر که در مسیر دلخواه گام برداشته است بررسی نماید (۵). با توجه به رشد سریع جامعه و ایجاد مشاغل جدید و تغییر در وظایف شغلی دانشگاهها در مسیری قرار می گیرند که بایستی خط مشی ها و برنامه های خود را با رشد شتابان اجتماعی تطبیق دهند و با توجه به اینکه بخش قابل ملاحظه ای از تولید ناخالص ملی به آموزش عالی تعلق میگیرد اطمینان از اینکه برنامه ها، عملکردها و اهداف دانشگاهها مسیر صحیحی را در جهت سیاست کلی تدوین شده طی میکنند ضرورتی ملی پیدا کرده است. در حالی که دانشگاههای ما در حال حاضر فاقد یک نظام ارزشیابی مدون و ملی و نهادینه شده برای ارزشیابی سرفصلها و رئوس مطالب ارائه شده توسط اساتید می باشد (۶)، به عبارت دیگر از آنجا که موسسات آموزشی باید شواهدی از پیشرفت دانشجویان و فعالیت اثر بخش خود فراهم کنند، طبیعی است که از نزدیک عملکرد و بازده اعضای هیات علمی را که یک جزء کلیدی و گران قیمت از فرآیند آموزش هستند ارزیابی کنند. این کار علاوه بر پاسخگویی عمومی به انتخاب کنندگان اهداف اولیه این

نظام آموزشی، با افزایش انگیزش، ارتقاء عملکرد و افزایش پاسخگویی اعضای هیات علمی به اهداف راهبردی موسسه یا گروه نیز همراه است (۷). به نظر میرسد که ارزشیابی رئوس مطالب و سرفصلهای ارائه شده مدرسان بسیار جدی گرفته نشده و مطالعه ای در این زمینه صورت نگرفته است (۸) و این مطالعه در راستای بررسی رئوس مطالب ارائه شده توسط مدرسان و تطبیق آنها با سرفصلهای وزارتی انجام شد.

روش کار

این مطالعه، یک مطالعه توصیفی مقایسه ای بود که در آن تعداد جلسات تشکیل شده و میزان انطباق رئوس مطالب مدرسان با سرفصلهای مصوب بعنوان متغیر اصلی و وابسته و مشخصاتی مانند سن، جنس، وضعیت تاهل و غیره مدرس نیز بعنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفت. در این طرح، تعداد جلسات برگزار شده و رئوس مطالب دروس نظری ارائه شده در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ مورد مطالعه و انطباق قرار گرفت. جامعه مورد پژوهش مدرسان دروس نظری دانشکده ها به تعداد ۸۱ نفر بود. برای انتخاب نمونه ها از روش سرشماری استفاده شد. با توجه به اینکه سرفصلهای هر درس مشخص بود تهیه پرسشنامه و بررسی روایی و پایایی آن ضرورت پیدا نکرد. برای شروع کار در ابتدا دروس ارائه شده دانشکده در نیم سال مذکور از اداره آموزش اخذ و سرفصلها و رئوس مطالب آنها از کتابچه مربوطه استخراج و کپی گردید. سپس سرفصل هر ماده درسی به عناوین ریز و رئوس

مطالب تفکیک و شماره گذاری گردید و هر عنوان درسی بر حسب تعداد عنوانهای آن و ساعات تخصیص یافته برای هر عنوان درصد گذاری گردید و این ریز عنوانها به شکل چک لیست برای هر ماده درسی آماده شد. سپس مواد تدریس شده مدرسان اخذ و با این چک لیست ها تطابق داده شد تا مشخص شود که مدرسان آیا همان سرفصلها را تدریس نموده اند؟ سرفصلهای کمتری تدریس شده است؟ و یا سرفصلهای متفاوت از سرفصلهای مصوب را تدریس کرده اند؟ در اینجا نحوه محاسبه میزان تطبیق را با یک مثال روشن می کنیم. فرض کنید سر فصل یک واحد درسی ۱۰ عنوان و رئوس مطلب داشت که در تطبیق مشخص شد که مدرس مربوطه ۷ عنوان آن را تدریس کرده و به سه عنوان آن به هر دلیل اشاره نکرده، ما برای محاسبه درصد تطبیق عدد ۷ را بر ۱۰ تقسیم نموده و بر ۱۰۰ ضرب نمودیم و بدین ترتیب درصد تطبیق آن ماده درسی بدست آمد. این رویه را برای تمام دروس نظری ارائه شده انجام دادیم و در آخر بررسی و تطبیق نیز، از تک تک مواد درسی بررسی شده، یک میانگین بدست آوردیم که نتایج آن در بخش یافته ها به تفصیل بیان شده است. لازم به ذکر است که در این ترم پس از کسر دروس عمومی و دروسی که بطور مشترک توسط ۴-۵ نفر ارائه می شد ۸۱ عنوان درسی معادل ۱۴۱ واحد نظری مورد بررسی قرار گرفت. جمع آوری داده ها به این طریق بود که در پایان ترم، برای تطبیق رئوس مطالب سرفصلهای مدرسان با

از جزوات مجدداً اخذ و تطبیق مورد نیاز بعمل آمد. بعلاوه، مشخصات دموگرافیکی مدرسان، طرح درسها (طرح درس سندی است کتبی که قبل از شروع ترم تحصیلی توسط مدرس تهیه و تحویل اداره آموزش می شود و حاوی عنوان درس، اهداف آموزشی، روش و وسیله آموزشی، زمان و مکان کلاس، روش ارزشیابی، منابع و ... می باشد)، درصد دریافت فولتایمی و آمار جلسات برگزار شده آنان از واحدهای کارگزینی، امور کلاسها و مرکز توسعه آموزش پزشکی اخذ و بر حسب نیاز بکار گرفته شد. همچنین، با استفاده از اطلاعات موجود، مسئولیتهای اجرایی و مدیریتی مدرسان در زمان تدریس دروس مذکور تعیین گردید. داده ها پس از کد بندی وارد برنامه نرم افزار SPSS گردیده و با استفاده آمار توصیفی تحلیل گردید.

یافته ها

میانگین سنی مدرسان ۳۶/۵ سال با انحراف معیار ۵/۶ سال، حداقل سن ۲۷ و حداکثر سن آنها ۵۲ سال بود. ۷۲ نفر (۸۸/۹٪) از افراد مورد مطالعه مذکر و ۹ نفر (۱۱/۱٪) مونث بودند. ۷۴ نفر (۹۱/۴٪) از افراد مورد مطالعه متأهل و ۷ نفر (۸/۶٪) مجرد بودند. ۲۴ نفر (۲۹/۶٪) غیرهیات علمی (حق التدریسی)، ۳۶ نفر (۴۴/۴٪) هیات علمی رسمی - آزمایشی و ۲۱ نفر (۲۵/۹٪) هیات علمی رسمی - قطعی بودند. حداقل سابقه تدریس ۲ سال و حداکثر ۱۳ سال و میانگین سابقه تدریس ۶ سال با انحراف معیار ۲/۷ سال بود. ۵۰ نفر (۶۲/۸٪) علاوه بر تدریس، دارای پست مدیریتی و اجرایی بودند و ۳۱ نفر (۳۸/۲٪)

سرفصلهای مصوب، از نمایندگان خواسته شد ۲-۳ مورد از کاملترین جزوات دانشجویانی که مباحث تمام جلسات را دارا باشند از همکلاسیها بطور امانت اخذ و در اختیار مجری طرح قرار دهند. اگر در کلاس فقط جزوه توزیع شده، یک کپی از آن تهیه و در اختیار مجری طرح قرار دهند و اگر برای تدریس درس یا دروسی نت برداری انجام نگرفته یا جزوه داده نشده بلکه کتاب یا بخشهایی از کتاب معرفی شده، یک نسخه از آن کتاب بصورت امانت در اختیار مجری طرح قرار گیرد و اگر هم روش دیگری در کلاس بکار گرفته شده توضیح دهند و مطالب آنها را نیز در اختیار مجری طرح قرار دهند. نمایندگان دانشجویان، مطالب مورد نیاز را تهیه و در اختیار مجری طرح قرار دادند. به این شکل مطالب و داده های مورد نیاز جمع آوری گردید. متناسب با عناوین دروس ارائه شده، سرفصلهای مصوب آنها از واحد آموزش دریافت و تک تک عناوین دروس کپی گردید و مطالب جمع آوری شده در مدت یک ماه با چک لیستهای تهیه شده از سرفصلها مطابقت داده شد. در پایان مشخص شد که مطالب برخی از جزوات غیرقابل تطبیق است، تعداد جلسات برخی از دروس دقیقاً ذکر نشده، برخی از دروس چند مدرس داشته طوری که تعداد واحد برخی از مدرسان نیم واحد یا کمتر بود، بعضی از دروس بخصوص دروس عمومی برای ۱۰-۱۲ واحد یک مدرس بود، در بعضی رشته ها جابجایی واحدها انجام گرفته و با آرایش دروس پیش بینی شده تفاوت داشت، لذا برخی

دریافت نمیکردند. میانگین درصد حق محرومیت از مطب ۵۰ درصد بود. در نیمسال دوم ۲۷ درس (۳۳/۳۳٪) یک واحدی، ۴۶ درس (۵۶/۸۰٪) دو واحدی، سه درس (۳/۷۰٪) ۲/۵ واحدی و پنج درس (۶/۱۷٪) ۳ واحدی ارائه شده بود.

فقط تدریس میکردند. ۶۳ نفر (۷۷/۸٪) از افراد مورد مطالعه برای تدریس، طرح درس کتبی ارائه نکرده و ۱۸ نفر (۲۲/۲٪) ارائه کرده بودند. ۳۷ نفر (۴۵/۷٪) حق محرومیت از مطب دریافت میکردند و ۴۴ نفر (۵۴/۳٪) که اکثریت آنان غیرهیات علمی بودند حق محرومیت از مطب

جدول شماره (۱): فراوانی تعداد جلسات برگزار شده دروس یک واحدی نمونه های مورد پژوهش در نیمسال دوم

سال تحصیلی ۸۲-۸۳

تعداد جلسات	تعداد	درصد
۶	۷	۲۶
۷	۸	۳۰
۸	۱۲	۴۴
جمع	۲۷	۱۰۰
میانگین	۷/۲	

سوم افراد مورد مطالعه کمتر از ۸ جلسه دایر کرده بودند بخصوص ۷ نفر (۲۵٪) از مدرسان ۶ جلسه دایر کرده بودند که کمتر از جلسات مصوب می باشد. میانگین جلسات دروس یک واحدی، ۷/۲ جلسه بود (جدول شماره ۱).

مطابق آئین نامه آموزشی، برای تدریس یک واحد درسی ۱۷ جلسه یک ساعته یا ۸/۵ جلسه دو ساعته و برای تدریس درس دو واحدی، ۳۴ ساعت یا ۱۷ جلسه دو ساعته مورد نیاز می باشد اما مطابق با جدول بالا، حدود دو

جدول شماره (۲): فراوانی تعداد جلسات برگزار شده دروس دو واحدی نمونه های مورد پژوهش در نیمسال دوم

سال تحصیلی ۸۲-۸۳

تعداد جلسات	تعداد	درصد
۱۲	۵	۱۰/۹
۱۳	۱۳	۲۸/۲
۱۴	۱۶	۳۴/۸
۱۵	۵	۱۰/۹
۱۶	۷	۵/۲
جمع	۴۶	۱۰۰
میانگین جلسات	۱۳/۹	

مطابق با جدول شماره ۲، حدود دو سوم افراد مورد مطالعه ۱۵ جلسه یا کمتر برگزار کرده بودند بخصوص از ۴۶ نفر تعداد ۳۴ نفر (۷۳٪) از مدرسان ۱۴ جلسه یا کمتر برگزار کرده بودند که کمتر از جلسات مصوب می باشد. میانگین جلسات دروس دو واحدی ۱۳/۹ جلسه بود.

در رابطه با درس سه واحدی یافته ها نشان داد که ۲ نفر ۲۰ جلسه، دو نفر ۲۱ جلسه و یک نفر ۲۲ جلسه تشکیل داده بودند در صورتی که طبق آئین نامه آموزشی می بایستی حداقل ۲۴ جلسه دو ساعته برگزار می کردند. در خصوص

میزان مطابقت دروس ارائه شده با سرفصلهای مصوب نیز مشخص شد که حداقل تطبیق ۳۰ درصد، حداکثر تطبیق ۱۰۰ درصد بود و بطور میانگین $17/2 \pm 62/8$ ٪ مدرسان سرفصل مصوب را رعایت کرده بودند. یعنی برخی از مدرسان فقط به ۳۰ درصد سرفصلهای مصوب توجه کرده و تدریس کرده بودند. برخی از مدرسان ۱۰۰ درصد سرفصلهای مصوب را اجرا کرده بودند و بقیه بین این درصدها توزیع شده بودند (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): فراوانی تطبیق سرفصلهای مدرسان با سرفصلهای مصوب در نیمسال دوم سال تحصیلی ۸۳-۸۲

میزان تطبیق	تعداد	درصد
۳۰-۴۵٪	۶	۷/۴
۴۶-۶۰٪	۲۳	۲۸/۴
۶۱-۷۵٪	۳۴	۴۲
۷۶ درصد و بالاتر	۱۸	۲۲/۲
جمع	۸۱	۱۰۰

طبق موارد یاد داشت شده دانشجویان، کمتر از ۶۰٪ مدرسان در جلسه اول به اهداف و رئوس مطالب و سرفصلهای مصوب اشاره کرده بودند.

آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که همبستگی آماری مثبت و معنی داری بین داشتن طرح درس و میزان تطبیق رئوس مطالب آنها با سرفصلهای مصوب وجود داشت ($p=0/001$). میانگین تطبیق رئوس مطالب در افراد دارای طرح درس $16/62 \pm 8/0$ ٪ و در افراد

بدون طرح درس $16/71 \pm 64/75$ ٪ مشاهده شد. همچنین تأثیر وضعیت استخدامی با میزان رعایت رئوس مطالب بررسی گردید و مشخص شد که ارتباط آماری معنی داری بین وضعیت استخدامی مدرسان و میزان تطبیق رئوس مطالب آنها با سرفصلهای مصوب وجود دارد ($p=0/018$). میانگین تطبیق رئوس مطالب در گروه حق التدریسی $15/31 \pm 61/3$ ٪ در گروه رسمی- آزمایشی $18/37 \pm 74/58$ ٪ و در گروه رسمی- قطعی $16/08 \pm 64/67$ ٪ بود.

تأثیر داشتن پست اجرایی یا مدیریتی مدرسان با میزان رعایت رئوس مطالب مدرسان نیز بررسی گردید و مشاهده شد که همبستگی آماری معنی داری بین داشتن پست اجرایی یا مدیریتی مدرسان و میزان تطبیق رئوس مطالب آنها با سرفصلهای مصوب وجود داشت. بطوریکه داشتن پست اجرایی یا مدیریتی باعث کاهش میزان تطبیق رئوس مطالب دروس مدرسان می شد. برعکس، میزان تطبیق در مدرسانی که پست اجرایی یا مدیریتی نداشتند بیشتر بود و این امر از نظر آماری معنی دار بود ($p=0/001$). میانگین تطبیق رئوس مطالب در افراد بدون پست اجرایی یا مدیریتی $81/13 \pm 16/62$ و در افراد دارای پست و مقام مدیریتی و اجرایی $66/32 \pm 16/71$ مشاهده شد.

بحث

همانطور که از نتایج تحقیق بر می آید اکثریت اعضای هیئت علمی سرفصلهای مصوب را تدریس کرده بودند و عده کمی نیز فقط سی درصد سرفصل را رعایت کرده بودند. همانطور که مطالعات آدام^۱ (۱۹۹۷) نیز نشان می دهد. برنامه درسی تأثیر مهمی در سطح یادگیری دانشجویان و دانش آموزان دارد، یک برنامه درسی دقیق و فنی، سطح تحصیلی فراگیران را ارتقاء می بخشد و اصلاح و تغییر برنامه درسی می تواند مزایای مهمی داشته باشد اما اصلاحات و تغییرات برنامه درسی باید با سایر تغییرات اجتماعی همراه باشد (۹). نتیجه مطالعه چویبیرت و اسپي^۲ (۱۹۹۹) با عنوان "محتوای

تعلیمی و روشهای تدریس مورد نیاز کلرک شپ پز شک خانواده" نشان داد که محتوای این کلرک شپ ها در موسسات و مدارس پزشکی متفاوت و متغیر است، توافقی در عناوین موضوعات تدریس این کلرک شپ ها وجود ندارد و محتواهای جاری، بسیار کمتر از سطح دلخواه و ملی می باشد. این محققان پیشنهاد کردند که محتوای تدریسی و متدلوژی آن باید با سطح ملی هماهنگ و هم سو باشد (۱۰). نتایج تحقیق منوچهری (۱۳۷۸) با عنوان "میزان تطابق دروس نظری درس پرستاری ویژه با کارآموزی بالینی مربوطه" نشان داد که میزان تطابق نسبی بوده است و در این زمینه عواملی مانند کیفیت ارائه مطالب، نحوه استفاده از تکنولوژی آموزشی، کیفیت بیمارستان محل کارآموزی از نظر وجود شرایط مطلوب جهت یاددهی-یادگیری و ارزیابی و میزان همکاری پرسنل پرستاری بخشهای محل کارآموزی را در فرایند یاددهی-یادگیری موثر دانسته اند (۱۱). صدری (سال ۱۳۷۸) در مطالعه خود با عنوان "طرح بررسی مشکلات نظام آموزشی دانشکده های پزشکی" موارد مختلفی را مطرح کرد که یکی از آنها را، کسب رتبه های نامناسب توسط دانشگاه در امتحانات جامع بدلیل عدم انطباق مطالب تدریس شده در دانشگاه با منابع امتحانات جامع ذکر کرده است (۱۲). تعداد جلسات برگزار شده و رئوس مطالب ارائه شده توسط اساتید و مدرسان این دانشکده با سرفصلهای وزارتی فاصله دارد. نتایج بررسی فرخی فر و طهماسبی (۱۳۷۸)

^۱- Adam

^۲- Schwiebert & Aspy

نشان داد که موثرترین عامل ایجاد انگیزه در دانشجو، استاد می باشد (علاقه استاد به امر آموزش و یادگیری، رعایت نظم و مقررات آموزشی توسط استاد، ایجاد ارتباط دوستانه توأم با احترام با دانشجو و...). همینطور از عوامل موثر در انگیزش دانشجو علاقه دانشجو به محتوای درسی، همیاری و مشارکت دانشجو در فرایند برنامه ریزی، محیط مناسب، معرفی دانشجویان ممتاز از طرف دانشکده، تشکیل کلاسها در ساعات مناسب روز، دسترسی به امکانات آموزشی مانند کتب و نشریات و... معرفی شده است (۱۳). می توان گفت که یافته های این بررسی با یافته های منوچهری، صدری (۱۱ و ۱۲) و غیره تقریباً مطابقت می کند. در مواردی، اساتید و مدرسان، برخی از رئوس مطالب سرفصلها را بیش از ساعات در نظر گرفته شده توضیح داده اند و در نتیجه تمام رئوس مطالب سرفصلها ارائه نشده است. حدود ۱۵٪ از دروس بررسی شده، رئوس مطالب بیش از حد دارند و در نتیجه مدرسان با وجود تمام تلاشهایشان نتوانسته اند همه رئوس مطالب سرفصلها را تدریس کنند. در اینکه چرا رئوس مطالب سرفصلها بدرستی رعایت نشده، ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد: ویژگیهای فردی مدرس و نحوه تدریس او، ویژگیهای دانشجو و نحوه عمل او در کلاس، طول ترم، خود رئوس مطالب و سرفصلها، رفرنسها و مواد آموزشی موجود، میزان تجهیزات و وسائل کمک آموزشی، نحوه مدیریت و برنامه ریزی نظام آموزشی دانشکده،

نحوه نظارت بر روند آموزش و تدریس، میزان ارزشیابی مستمر از عملکرد ارکان آموزش (مدرس، دانشجو، محیط، برنامه ها و محتوای آموزشی)، فیدبک دادن و غیره. در نظامهای آموزش عالی متمرکز عمده وظایف برنامه ریزی و تصمیم گیری بر عهده یک سازمان مرکزی است و تمامی طراحی آموزش به صورت مرکزی صورت می گیرد و دانشکده ها ملزم به اجرا هستند و از مزایای مهم آن یکسان بودن نحوه آموزش در تمامی دانشگاهها می باشد (۱۴). برخی از عواملی که در این طرح بدان دست یافتیم عبارتند از: ماهیت رئوس مطالب سرفصلها، وضعیت آمادگی دانشجو، طول ترم و ایام تعطیلات، عدم نظارت کافی به رئوس مطالب و سرفصلهای تدریس شده اساتید و مدرسان و برخی از ویژگیهای فردی اعضای هیات علمی که از مهمترین این ویژگیها و متغیرها می توان، اشتغال مدرسان به امور اجرایی و مدیریتی، شرایط تحصیلات تکمیلی اعضای هیات علمی، عدم سابقه آشنایی مدرسان با برنامه درسی و طرح درس و اشتغال به تدریس مدرسان و عدم اهتمام کافی به پژوهش یا تالیف و ترجمه کتاب و مقاله را نام برد.

نتیجه گیری

در این مطالعه مشخص شد که تعداد جلسات برگزار شده مدرسان رضایت بخش نیست. همینطور، رئوس مطالب سرفصلهای مصوب وزارتی بطور کامل رعایت نمی شود.

جهت دستیابی به نتایج مطلوبتر موارد مطروحه زیر به طور خلاصه پیشنهاد می گردد:

* وزارت بهداشت با کمک و مشارکت اعضای هیات علمی سراسر کشور سرفصلهای هر درس را مجدداً تدوین نماید. آنگاه سرفصلهای جدید را همراه با یک نسخه از ماده تدریسی و منابع آن در اختیار مراکز آموزشی قرار دهد تا مطابق با آن تدریس کنند.

* میتوان با اعزام اساتید دانشگاه به فرصتهای مطالعاتی و نمایشگاههای کتاب داخلی و خارجی، توزیع بن کتاب بین اساتید، اعطای پایه های تشویقی در ازای تالیف یا ترجمه کتاب درسی، برگزاری دوره های جشنواره انتخاب کتاب علمی برتر اساتید علوم پزشکی و.... انگیزه اعضای هیات علمی را برای بالا بردن میزان مطالعه و پژوهش افزایش داد.

* اعطای امتیاز ادامه تحصیل بدون آزمون به نفرات اول هر کلاس، برپایی نمایشگاههای کتاب همراه با تخفیف ویژه، برگزاری اردوهای

علمی- آموزشی یا علمی- فرهنگی- سیاحتی برای دانشجویان شاگرد اول تا سوم هر کلاس جهت تشویق آنان به مطالعه، تجهیز خوابگاهها به اینترنت و کتابخانه، انتخاب دانشجویان نمونه کلاس از نظر حضور مرتب در تمام کلاسها و اعمال مقررات و غیره برای انگیزش بیشتر دانشجویان پیشنهاد می گردد.

* افزایش کارآیی مدرسان از طریق برگزاری کارگاههای آموزشی و دوره های بازآموزی در زمینه مهارتهای تدریس، طراحی آموزشی، اهمیت رعایت مقررات آموزشی، اهمیت استفاده از طرح درس در تدریس و غیره.

* نظارت کمی و کیفی بر تدریس و بخصوص ارزشیابی ترمی سرفصلهای اساتید و مدرسان بخصوص مدرسان حق التدریس و ارائه بازخورد به آنها توسط مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاهها ضروری بنظر می رسد.

منابع

- ۱- کریمی، عبدالله: چشم اندازی به جایگاه آموزش پزشکی در کشور و جایگاه پائین دانش و دانشمند در نظام پرداختی؛ مجله پیام سلامت. ص ۶۱
- ۲- تعیین راهکارهای افزایش حضور موثر آموزشی اعضای هیات علمی در دانشگاههای علوم پزشکی؛ پیک آموزش، شماره ۵، آذر ۱۳۸۰، ص ۸
- ۳- نیک بخت نصرآبادی علیرضا و پارسا یکتا زهرا: نقدی بر ارزشیابی استاد در دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ تهران ۱۳۸۲؛ خلاصه مقالات اولین همایش بین المللی اصلاحات و مدیریت تغییر در آموزش پزشکی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹

۴- رهبر، نصرا...: برنامه ریزی درسی رویکردی به بهسازی آموزش؛ مجموعه مقالات سمینار تعلیم و تربیت در گروه پزشکی؛ ۱۳۷۲، ص ۱۲۵

۵- مدیریت آموزشی، ارزشیابی در برنامه های آموزشی؛ پیک مدیریت دانشگاه؛ ش. ۷۱؛ دی ماه ۱۳۸۳، ص ۳

۶- حسین نژاد، زهرا؛ ارزشیابی کارآیی درونی آموزش رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی کرمان در سالهای ۷۹ - ۱۳۷۲؛ مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ۴(۱۲)، ص ۱۶ - ۱

۷- بلاند، س ز و همکاران: ارزیابی عملکرد اعضای هیات علمی و ارائه روشی نظام مند و ارزیابی شده؛ مترجم: غلامرضا؛ ماهنامه توسعه سلامت و پزشکی؛ س ۱، دوره ۱، ش ۴، تیر ماه ۱۳۸۱ ۳۸۳ - ۳۶۳.

۸- آبات، اف. آر.: آموزش برای یادگیری بهتر؛ مترجم: پرویز صالحی؛ ناشر: دفتر بازآموزی و آموزشهای آزاد؛ چ اول ۱۳۷۲، ۲۰-۱۹۹

9- Adam Gameran, Culum changes as a Reform Strategies: Lessons
www.tcrecord.org/content.aspfrom the united states and Scotland; 1997

10- Schwiebert LP, Aspy CB: Didactic content and
teachingmethodologies on required allopathic as family medicine
clerkships;fam med,1999 feb31(2),95-100

۱۱- منوچهری ه: میزان تطابق محتوای دروس نظری واحد پرستاری ویژه با کارآموزیهای بالینی
مربوطه؛ فهرست تشریحی مقالات، پایان نامه ها و خلاصه مقالات آموزش پزشکی کشور ۱۳۷۸-۱۳۵۸، ۵۷

۱۲- صدری ه: طرح بررسی مشکلات نظام آموزشی دانشکده های پزشکی؛ پایان نامه رشته پزشکی
دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی؛ فهرست تشریحی مقالات، پایان نامه ها و خلاصه
مقالات آموزش پزشکی کشور ۱۳۷۸-۱۳۵۸، ص ۷۷-۷۶

۱۳- فرخی فر م، طهماسبی ر: بررسی عوامل موثر در ایجاد انگیزه فراگیری در دانشجویان دانشگاه علوم
پزشکی بوشهر؛ فهرست تشریحی مقالات، پایان نامه ها و خلاصه مقالات آموزش پزشکی کشور ۱۳۷۸-
۱۳۵۸، ص ۱۳۵-۱۳۴

۱۴- نظامهای آموزشی، معاونت آموزشی و امور دانشگاهی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،
پیک آموزش، اسفند ماه ۱۳۸۱، ص ۸